

چکیده

موضوع پژوهش حاضر، نگرشی پیرامون عبودیت و بندگی می‌باشد. بندگی خدای سبحان دارای مراتب است و اولین مرحله آن انجام واجبات و ترک محرمات می‌باشد که همگام با پیشروی در مراتب محبت، اخلاص و معرفت به مراحل عالی تر می‌رسد و به تدریج آدمی به جایی می‌رسد که همه شوون و احوالش همگی رنگ و بوی الهی می‌گیرد و انانیت و هوای نفس او یکسره فرو می‌نشیند. هدف از تدوین آن تبیین حقیقت عبودیت، و ابعاد آن می‌باشد. این پژوهش با مراجعه ی به کتب تفسیری، اخلاقی و عرفانی به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: عبد، عبادت، عبودیت، خضوع، خشوع، استکبار، اطاعت، انقیاد.

طرح بحث

عبودیت و بندگی حقیقت صراط مستقیمی است که انسان را به قرب و جوار حضرت حق رهنمون می‌سازد از سوی دیگر کمال انسان نیز همان قرب الهی می‌باشد که تنها راه آن بندگی ذات ربوبی است.

لذا شناخت جایگاه عبودیت و راه وصول به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بر این اساس اندیشمندان فراوانی در این راستا کتب متعددی را به زیور طبع آراسته‌اند که البته کتب مذکور با مضامین پراکنده به بررسی این مقام (عبودیت) پرداخته‌اند از این‌رو در مقاله حاضر سعی شده است زوایای مختلف این موضوع به صورت مجموعی بررسی شود از سوی دیگر تبیین آثار دنیوی و اخروی و پیامدهای عدم بندگی و لوازم آن از مواردی است که در هیچ کدام از کتبی که مورد جستجو قرار گرفته به این صورت به چشم نخورده است. البته به هیچ وجه ادعا نمی‌شود که آنچه صورت گرفته از هر جهت کامل و خالی از نقص و اشکال باشد ولیکن سعی شده است این مختصر افق تازه‌ای باشد.

مفهوم شناسی

معنای لغوی

واژه عبد و مشتقات آن چنانچه از آراء ارباب لغت و واژه‌پردازان زبان عرب بدست می‌آید دارای معانی مختلفی است که توجه به کثرت معناها و کاربردهای این واژه نقش مهمی در تبیین موضوع خواهد داشت از این‌رو ابتدا تعاریفی که دانشمندان علم لغت برای واژه عبودیت بیان کرده‌اند ذکر می‌شود. در کتاب لسان العرب چنین آمده است: عبودیة: خضوع و تذلل (ابن منظور، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۲، ص ۲۴۷۶)؛ و راغب اصفهانی می‌نویسد: عبودیت به معنای اظهار فروتنی و طاعت و فرمانبرداری

است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۵۴۲)



برخی نیز عبودیت را مترادف با عبادت دانسته‌اند. (لوییس، معلوف، ۱۹۹۲ م، ص ۴۸۳)

معنای اصطلاحی

عبودیت از منظر علمای اخلاق و تفسیر عبارت است از دست برداشتن از هرآنچه تعلق خاطر به آن داریم و صرف کردن همه چیز در راه خدا و حصول این مقام نیز از طریق بازداشتن نفس از خواسته‌ها و واداشتن بر آنچه از آن کراهت دارد صورت می‌گیرد. (ر.ک: منسوب به جعفر بن محمد امام صادق (ع)، ۱۴۰۰ ه.ق، ص ۷)

عبادت در لغت

عبادت: از دیدگاه اهل لغت دارای دو معنا می‌باشد:

۱- خضوع یا نهایت خضوع: - مفردات راغب: «العبودية اظهار التذلل والعبادة ابلغ منها، لانها غاية التذلل ولا يستحقها الا من له غاية الافضال وهو الله تعالى» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۵۴۲)؛ «عبودیت به معنای اظهار خواری است و عبادت از آن رساتر می‌باشد زیرا عبادت غایت خواری در برابر کسی است که نهایت انعام و اکرام را نموده است که آن نیز خدای متعال است.

۲- فرمانبرداری یا اطاعت خاضعانه

- لسان العرب: «عبادة: طاعة مع الخضوع: عبادت اطاعت همراه با خضوع است.» (ابن منظور، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۲۴۷۸)

- صحاح: «العبادة: الطاعة» (جوهری، ۱۳۸۶ ه.ق، ج ۲، ص ۵۰۲)

- اقرب الموارد: «العبادة: اطاعة و غاية التعظيم» (الشرتونی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶۱)

البته شواهد و قراین ذیل نشانگر آن است که عبادت به معنای اظهار ذلت و خضوع و اطاعت نمی‌باشد.



الف) اطاعت و فرمانبرداری فرزندان در برابر والدین و شاگرد در مقابل استاد مطلوب است ولی عبادت شمرده نمی‌شود

انواع عبودیت

عبودیت به معنای اظهار ذلت و کوچکی است. (راغب اصفهانی، همان، ص ۵۴۲) با توجه به این معنا روشن می‌شود که این حقیقت جز برای ذات مقدس ربوبی شایسته نیست زیرا زمام هستی موجودات و شؤون وجودی آنان همواره به دست اوست. از این جهت برای عبودیت دو نوع متصور است: الف) عبودیت عام (تکوینی) ب) خاص (تشریحی، اصطلاحی)

الف. عبودیت عام

این نوع عبودیت به معنای خضوع تکوینی و انفعال وجودی داشتن در برابر مبدأ متعالی و قرار گرفتن در مسیر تکوین و فرمانبرداری از نظام هستی است. قرآن کریم این نوع عبودیت را که با اطاعت همراه است برای تمامی موجودات اثبات می‌کند: «إِنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (سوره مریم، آیه ۹۳)؛ «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند بنده اویند» زیرا از مالکیت تکوینی و حقیقی خداوند بر عالم و تدبیر او بر نظام هستی ناشی می‌شود و هیچ موجودی در برابر مالکیت و تدبیر تکوینی او قدرت و اختیاری از خود ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۰۹)

پاداش مناسب این عبودیت نیز، برخورداری از رحمت عامه رب العالمین است که عذاب و نعمت هر دو مصداق آن رحمت هستند. (رک: الطباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱، ص ۶۲۷)

ب) عبودیت خاص

مقصود از این نوع عبودیت خضوع تشریحی و انقیاد اختیاری در مسیر صراط مستقیم است. البته این عبودیت نیز ناشی از مالکیت تکوینی و حقیقی خدا بر عالم و تدبیر او بر نظام هستی است



لیکن حکمت الهی اقتضا می‌کند که انسان در این نوع عبودیت مختار باشد تا بتواند در میدان امتحان و آزمایش الهی به کمال مطلوب و مقدور خویش برسد. جزای این عبودیت خاص نیز، رحمت خاصه است که نعمت بهشت و سایر تفضلات الهی زیرمجموعهٔ این رحمت هستند. که عبودیت مورد نظر در این رساله همین قسم دوم می‌باشد. (جوادی آملی، همان، ص ۴۱۰)

جایگاه عبودیت

نخستین مرتبه از درجات کمالی انسان عبودیت و بندگی است و عرفا نیز آن را اولین منزل از مراحل سیر و سلوک (گنابادی، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۲، ص ۴۵۴) و سفر دوم از سفرهای چهارگانه (سفر از حق به حق) قرار داده‌اند. (همان، ج ۶، ص ۲۶۲) تا آن که سالک با سیر در آن از انانیت و بندگی نفس خارج شده و در زمره بندگان خالص قرار گیرد.

۱- عبودیت هدف آفرینش و راه یقین

گرچه بر اساس برخی از آیات عبودیت هدف آفرینش قرار گرفته است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره ذاریات، آیه ۵۶) لکن به عنوان هدف متوسط از آن یاد می‌شود چرا که هدف نهایی آن است که انسان از پل عبادت به مقصد یقین برسد و عصارهٔ سالیان متمادی عبادت را در ظرف یقین گرد آورده نگهداری کند زیرا انسان تا به یقین نرسد ممکن است عبادات، اعتقادات، اخلاقیات و خلاصه همه چیز او در معرض زوال و نابودی قرار گیرد و با رسیدن به مرحله یقین به آرامش می‌رسد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۰۷)

۲- عبودیت راه وصول به قرب الهی

عبودیت تنها راه تقرب به خدای سبحان است از این رو در قرآن کریم، روایات و ادعیه هنگام بیان مقامات پیامبران و اولیاء پیش از هر چیز به عبودیت آن‌ها اشاره می‌شود، چنان که در تشهد نماز گفته می‌شود: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» یعنی قبل از شهادت به رسالت رسول الله (صلی الله



علیه و آله) به عبودیت ایشان شهادت می‌دهیم بدین معنا که مقام رسالت بدون عبودیت امکان ندارد. سرّ این تقدّم نیز آن است که عبودیت، چهره ارتباط آن‌ها با مولا است در حالی که رسالت، چهره ارتباط آنان با مردم است و از آنجا که ارتباط انسان با خدا برتر و مقدم بر ارتباط آنان بر انسان‌ها است لذا عبودیت مقدم بر رسالت ذکر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۲۸؛ ر.ک: روح الله، خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۰)

۳- عبودیت سرلوحه دعوت انبیاء

اولین وظیفه تمام فرستادگان الهی دعوت انسان هابه توحیدو عبودیت ذات اقدس ربوبی و معرفت حق است. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۰۷)

از این رو آیه کریمه « يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ » (سوره هود، آیه ۵۰) را که بیان و تفسیری گویا از لاإله إلاالله است بسیاری از انبیاء بیان کرده‌اند.

۴- عبودیت صراط است

عبودیت صراط است و عبادت و خدمت به خلق، عشق و محبت و همه کارهای خوب به‌عنوان سبیل از آن‌ها یاد می‌شود و این سبیل‌ها اگر از مسیر عبودیت بگذرند و با نیت و سنت الهی پالایش یابند ارزش پیدا می‌کنند، چون تمام تعلقهای آدمی که آرمان‌های او را می‌سازند حتی آرمان‌هایی همچون آزادی، عدالت، عرفان، مادام که از پل عبودیت عبور نکنند ارزش نمی‌یابند زیرا عبودیت در تعمیم و تخصیص و تقیید این آرمان‌ها حرف آخر را دارد. و در واقع ما از صراط به سبیل می‌رسیم. (صفایی حایری، ۱۳۷۹، ص ۲۴؛ ر.ک: احمدعلی، بابایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۳۸۰) «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (سوره عنکبوت، آیه ۶۹)؛ «و آنها که در راه ما جهاد کنند قطعاً به راه‌های خود هدایشتان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است.»



مراتب عبودیت

عبودیت و بندگی انسان در برابر ذات ربوبی به لحاظ درجه‌ی درک انسان‌ها به دو مرتبه‌ی کلی تقسیم می‌شود که هر یک از آن دو نیز درجاتی دارد.

۱- عبودیت و بندگی ظاهری

بندگی ظاهری، اطاعت از دستورهای حق تعالی و اولیایش در تمامی شؤون زندگی می‌باشد البته پس از اینکه به ذات اقدس الهی و کمالات ذاتی او ایمان داشته باشد و معتقد به رسالت پیامبران و امامت امامان دوازده‌گانه باشد. مرحله اول این نوع اطاعت انجام واجبات و ترک محرّمات است. و درجه‌های بالاتر آن در انجام مستحبات و ترک مکروهات و اصلاح اوصاف نفسانی ظهور می‌کند که هر کس به اندازه‌ی همتش می‌تواند این درجات را طی کند.

دیدگاه توحیدی بنده در این مرحله ضعیف است و خدا را به‌عنوان موجودی جدای از خود و به صورت غایب بندگی می‌کند البته بندگی نوع انسان‌ها همین‌گونه است، اگرچه بعضی از آن‌ها درک عقلانی صحیح و عمیقی از حق تعالی دارند. (تحریری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳)

۲- بندگی حقیقی

اگر کسی مرتبه قبل را به‌طور کامل پیاده کند به‌گونه‌ای که حضرت حق را با صفا یافتن قلبش و عمیق شدن ایمانش به صورت قلبی رؤیت نماید می‌تواند خضوع وجودی خویش را در برابر پروردگار مشاهده کند که از این مرتبه به عبودیت حقیقی تعبیر شده است.

عبودیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) قطعاً از این نوع بوده است از این جهت هنگامی که عنوان بصری از امام صادق (علیه السلام) می‌خواهد که او را از کلام گهربار خویش بهره‌مند سازد حضرت در جوابش فرمود: اگر این علم را می‌خواهی در خودت، حقیقت بندگی را طلب کن.

و حقیقت بندگی را به ندیدن مالکیت در هیچ شأنی برای خود و تدبیر نداشتن برای خود تفسیر



فرمود که قهراً دیدن مالکیت حق تعالی و تدبیر او در تمامی شؤون هستی باید تحقق یابد که این، امری قلبی است و لازمه اش تحوّل ویژه‌ای در بنده است که علوم حقیقی ائمه: از قبیل یافتن حقایق و ارتباط مستقیم و حضوری با حق تعالی است که با رسیدن به بندگی حقیقی تحقق می‌یابد. (تحریری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴) به عنوان نمونه هنگامی که شخصی از امام علی (علیه السلام) می‌پرسد: آیا خدایی را که پرستش می‌کنی دیده‌ای؟ حضرت می‌فرماید: «وَيْلَكَ يَا ذَعْبَلُ لِمَ أَكُنْ بِاللَّذَى أُعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ» (بابویه قمی، (الشیخ الصدوق)، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۳۰۵) وای بر تو من کسی نیستم که خدایی را که ندیده باشم بپرستم.

عرض کرد: او را چگونه دیدی؟ برای ما توصیف کن، فرمود: وای بر تو! چشم‌ها با دیدن ظاهری او رانمی‌بینند لکن دل‌ها او را باحقایق ایمان می‌بینند. این امر نه تنها امکان تحقق برای همگان دارد بلکه رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) به اباذر (رضوان الله علیه) نیز به انجام آن سفارش فرموده است: «أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» (المجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۷۴، ص ۷۶): «بندگی کن خدا را گویا این‌که او را می‌بینی اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند.» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این فرمایش به دو مرتبه‌ی والای بندگی سفارش فرموده است: اول بندگی خدای متعال با رؤیت عبد به خداوند که قهراً آثاری دارد و مرتبه‌ی دوم آثار بالاتری خواهد داشت که بندگی خدا را رؤیت او به بنده‌اش می‌باشد، زیرا رؤیت اولی اگرچه قلبی است لکن هنوز بیننده‌ای متصور است که خدا را می‌بیند و کاملاً حجاب‌ها بین عبد و خداوند کنار نرفته است، لکن در مرتبه‌ی دوم بندگی که با کشف رؤیت خداوند به بنده می‌باشد باید پرده‌های نورانی کنار رود و خداوند که محیط بر وجود و شؤون وجودی عبد است دیده شود، چون رؤیت خداوند نسبت به بنده با احاطه‌ی وجودی او همراه است و لازمه‌اش این است که عبد برای خود هیچ چیزی از هستی و شؤون آن نبیند. البته این رؤیت نیز به لحاظ مراتب توحید افعالی، اسمائی، صفاتی و ذاتی مراتبی دارد.



این رویت به گونه‌ای است که لایق ذات مطلق بی‌مثال الهی باشد و پاکی ویژه‌ای لازم دارد که بنده با دیدگاه صحیح نسبت به حضرت حق و درک وحدانیت مطلقه‌ی الهی و عمل دقیق طبق دستورهای شرع مقدس پرده‌های ظلمانی از چهره قلبش کنار می‌رود و به اندازه‌ی ظرفیت وجودی‌اش او را مشاهده می‌کند. (تحریری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵؛ ر.ک: خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۱)

هرگاه انسان عقل، رأی و هوای خود را مطیع شرع نماید داخل در مرتبه‌ی عبودیت می‌شود و این پایین‌ترین مرتبه‌ی عبودیت است.

لوازم عبودیت

۱- معرفت

معرفت گوهری است که صدف هستی گنجایش آن را ندارد و تنها دل انسانی که از همه رذایل اخلاقی پاک و به فضایل اخلاقی آراسته باشد می‌تواند آن را در خود جای دهد زیرا عالم تکوین و عالم تشریح با همه شگفتی و عظمت غایتی جز معرفت ندارد. بر این اساس، پروردگار هستی آن گوهر گران قدر را به وسیله‌ی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در عالم تشریح برای بشریت فرستاد و در مقام عبودیت آن را در قالب صدفهایی چون نماز، روزه، خمس و سایر فرایض دینی قرار داد تا جویندگان گوهر معرفت برای رسیدن به آن از صدف آغاز کنند، بنابراین کمال هر عبادتی با تجلی در مقام معرفت حاصل می‌شود. (اسداللهی، ۱۳۸۴، ص ۹)

راه سلوک به ملکوت اعلی با گام‌های عبودیت و معرفت پیموده می‌شود. (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۸۴) و معرفت نیز گوهری است که ذات و جوهر آن عبودیت است و عبودیت گوهری که کنه آن معرفت می‌باشد. (اسداللهی، همان، ص ۱۳؛ ر.ک: امین، مخزن العرفان، ج ۲، ص ۴۱۶)

معرفت در بخش معارف دینی غیر از علم است در نتیجه راه تحصیل آن‌ها نیز متفاوت می‌باشد. در فراگیری علم نیاز به تعلیم و تعلم و استاد و کلاس و تدریس داریم اما از شرایط اصلی معرفت



تزکیه و تصفیه و صیقلی دادن قلب می‌باشد.

بنابراین ممکن است فردی از علم و دانش ظاهری هیچ بهره‌ای نبرده باشد ولی انسان را در مقام

انسانیت و حق تعالی را در مقام ربوبیت مشاهده کرده باشد. (اسداللهی، همان، ص ۳۳)

معرفت کبریائی حقیقتی است که حضرت حق در عالم ذر و آلت از آن سؤال فرمود و رسول

گرامی (صلی الله علیه و آله) و اوصیاء: سبقت به پاسخ نمودند و عبودیت ذاتی و ارادی خود را اعلام

کردند. (حسینی همدانی، همان، ص ۳۹۲)

و راه وصول به این کرامت (معرفت رب) معرفت نفس است، چنان که در روایات است که «مَنْ

عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (الاحسائی، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۴، ص ۱۰۲)

و این معرفت یا با تفکر درباره امور و قوای محدود و ضعیف خود و با اقامه براهین حاصل می‌شود

و یا با شهود مقام خود در مقابل شهود عظمت و جلال حق صورت می‌پذیرد و در طریق دوم نیز

صددرد حالت یقین و حق‌الیقین برای قلب انسان ایجاد می‌شود و جای شک و تردید باقی

نمی‌ماند. (امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه، ص ۶۳) البته معرفت پروردگار متعال و اطاعت او

لازم است که همراه با معرفت و اطاعت رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) و اولی الامر باشد «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ

أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۱۲، ص ۴۲۴) زیرا اطاعت پروردگار

و حق معرفت او و توجه به آداب و وظائف عبودیت، بدون اطاعت و معرفت رسول اکرم و ائمه

معصومین (علیهم السلام) صورت نخواهد گرفت هرچند که وجوب اطاعت خدا ذاتی و به جهت حق

ربوبیت و وظیفه عبودیت است و وجوب اطاعت رسول‌الله و اولی الامر به اعتبار جهت رسالت و

اولی الامر می‌باشد. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۹۰)

۲- اخلاص

غرض اصلی از دین و برنامه‌ی اعتقادی و جوارحی همانا خلوص در عبودیت و اتصاف به فضائل



خلفی و شعار کامل عبودیت است بر این اساس ناگزیر احکام اعتقادی و جوارحی و برنامه مکتب عالی قرآن تابع وظیفه خلوص و عبودیت می باشد. از این رو در آیات قرآنی نیز خلوص عمل از خصوصیات عبودیت و مقام بندگی ذکر شده است چنان که می فرماید: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (سوره یوسف، آیه ۲۴): «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (سوره صافات، آیه ۴۰) که این آیات و امثال آن دلالت دارند بر اینکه خلوص عمل ناشی از تحقق معنی عبودیت و شناسایی مقام بندگی است لذا امکان ندارد کسی دارای خلوص عمل گردد مگر وقتی که در مرتبه توحید خالص گشته و معرفت وی به مقام الوهیت کامل گردد. (داورپناه، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۱)

گروهی را نیز به عنوان عبد مصطفی معرفی کرده و با صفت اخلاص می ستاید به جهت آنکه اصطفاء هنگامی که با مقامات ولایت ملاحظه گردد به معنای آن است که بنده در تمام شئونش به مقتضای مملوکیت و عبودیتش رفتار می نماید. (الطباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۳۰۰؛ ر.ک: العلامه السیدمحمدحسین، الطباطبایی، تفسیرالمیزان، مترجم: محمداقبر، موسوی همدانی، ج ۱، ص ۴۵۲)

این بندگان مخلص، عبد به تمام معنا و به طور اطلاق خواهند بود و قید مخلص به فتح نیز توضیحی است زیرا لازمه اینکه عبودیت ایشان پذیرفته شده آن است که عبودیت آنان را پروردگار به خود اختصاص داده و در قلب آن ها رابطه عبودیت و علاقه قلبی به موجودی وجود نداشته است و معنای عبد به طور اطلاق آن است که اراده ای از خود نداشته اند و هیچ عملی به جز آنچه را که پروردگار از آن ها خواسته اند به جا نیاورده اند. عبودیت ایشان موهوبی و ذاتی بوده است و اختصاص به رسولان و پیامبران و اوصیاء دارد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۱۴، ص ۲۲)

آثار عبودیت

الف) آثار دنیوی

۱- ربوبیت



عبودیت گوهری است که باطن و آخرین مقصدش ربوبیت می‌باشد، البته مراد از ربوبیت خدایی نیست بلکه به معنای خداوندگاری و صاحب اختیاری است. به بیان روشن‌تر میان خداوندگاری و خدایی فرق وجود دارد، بدین معنا که هر صاحب قدرتی، صاحب اختیار چیزهایی که در سلطه‌اش می‌باشد است. عرب به کسی که صاحب چیزی است ربّ می‌گوید، از این‌رو به خدای متعال هم که ربّ خطاب می‌کنیم از باب این است که خداوندگار و صاحب حقیقی تمام عالم‌ها است. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۵۱)

الف) اولین مرحله ربوبیت: تسلط بر نفس

اگر اندک تأملی در رفتارهای خود داشته باشیم متوجه می‌شویم که زمام نفس خودمان در اختیارمان نیست، اختیار اعضاء و جوارح خود را نداریم وقتی گرم صحبت کردن می‌شویم نمی‌توانیم غیبت مردم را نکنیم، بر شهوات و غضب خود مسلط نیستیم. (همان، ص ۵۲) اگر نعمتی به ما برسد سرکش می‌شویم و هنگامی که دچار یأس می‌شویم اندوه ما را می‌کشد و با غلبه یافتن طمع، خود را هلاک می‌کنیم. (المجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۶۷، ص ۵۲) همه این‌ها نیز به این دلیل است که مالک نفس خودمان نیستیم. انسان از طریق عبودیت به مرحله‌ی خداوندگاری می‌رسد و ربّ و مالک نفس خود می‌شود.

ب) دومین مرحله از مراتب ربوبیت: ضبط خیال

مالک خاطرات نفس بودن (ربوبیت بر طائر خیال). قوه خیال ذهن ما را در هر لحظه از موضوعی به موضوع دیگر متوجه می‌سازد و تداعی معانی و تسلسل خاطرات را به وجود می‌آورد. این قوه یکی از دستاویزهای شیطان است که می‌خواهد به وسیله آن انسان را به شقاوت دعوت کند.

انسان مجاهد که در صدد اصلاح خویش بر می‌آید و می‌خواهد با خارج کردن جنود ابلیس باطنش را صفا دهد، باید زمام خیالش را در دست گیرد و نگذارد هر جا می‌خواهد پرواز کند زیرا خیال مانند پر پرنده‌ای است که بر درختی آویخته شده و باد هر لحظه آن را پشت و رو می‌کند. (کمره‌ای،



(۱۳۵۱، ج ۵، ص ۱۴۲)

و هر گاه خیال‌های باطل از قبیل خیال معصیت و شیطنت برایش پیش آمد آن را متوجه امور مباح یا راجحه‌ی شریفه نماید.

و این امر نیز از طریق عبودیت حاصل می‌شود. (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۷) «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (سوره اعراف، آیه ۲۰۱) از این رو در نماز به عنوان مصداق اتم عبادات تکیه فراوانی به مسأله تمرکز ذهن و حضور قلب شده است. زیرا روح نماز عبودیت و حضور قلب آن است. (النوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۴، ص ۹۸)

(ج سومین مرحله از مراتب ربوبیت: ربوبیت بر تن و طبیعت

در اثر عبودیت انسان می‌تواند بدن خود را تحت فرمان اراده قرار دهد و اعمال خارق‌العاده‌ای را ایجاد کند، چنان چه امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَا ضَعَفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ النَّيَّةُ» (الحرالعالمی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱، ص ۵۳)

البته انسان با عبور از صراط عبودیت می‌تواند از این مرحله هم بالاتر رود و خود را به جایی برساند که در جهان و عالم طبیعت هم بتواند تصرف کند، یعنی مثلاً بتواند به اذن الله یک بیماری روحی را معالجه کند یا کور مادرزادی را شفا دهد، همانطور که در قرآن خدای تعالی درباره عیسی بن مردم (علیه السلام) فرمود: «وَوَيْلٌ لِّلْكُفْمَةِ وَ الْأَبْرَصِ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي» (سوره مائده، آیه ۱۱۰) به عبارت دیگر انسان با عبودیت و بندگی به درجه‌ای می‌رسد که دارای ولایت تکوینی می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۵۷)

۲- مقامات و کرامات

یکی دیگر از آثار عبودیت کرامات و مقامات می‌باشد که آن نیز از رهگذر عبودیت به دست می‌آید. هر کمالی نیز که در قرآن کریم یا روایات به افراد، اعم از پیامبر و غیر پیامبر نسبت داده شده است



نخست به جنبه عبودیت آن‌ها نظر بوده است چنانچه که ابراهیم (علیه السلام) با تکیه بر این مقام به امامت به عنوان بالاترین مقام رسید.

« إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا... » (المجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۲۵، ص ۲۰۵)

«خداوند سبحان، نخست ابراهیم (علیه السلام) را به عنوان عبد برگزید. پس از آن به عنوان رسول انتخاب کرد، آنگاه او را نبی قرار داد، سپس او را به مقام خلت و دوستی گرفت...»
وصول سایر انبیاء و اولیاء: به مقامات عالی نیز به واسطه همین عبودیت بوده است چنان که حضرت عیسی (علیه السلام) به برکت عبودیت به نبوت رسید. « قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا » (سوره مریم، آیه ۳۰)

۳- آرامش و اطمینان

اضطراب و نگرانی یکی از بزرگ‌ترین بلاهای زندگی انسان‌ها شمرده می‌شود و عوارض ناشی از آن هم در زندگی فردی و اجتماعی انسان به روشنی محسوس است.

رفتاری‌های دنیا را به سه نوع می‌توان تقسیم کرد:

نوع اول: انواع مصیبت‌ها از قبیل بیماری‌های خود و وابستگان، مرگ نزدیکان...

نوع دوم: ناراحتی و حسرت در اثر فقدان امور دنیا که به آن‌ها دسترسی ندارد.

نوع سوم: ترس از اینکه آنچه را دارد از دست بدهد.

این قبیل امور غالباً آسایش و آرامش راز انسان می‌گیرند و ریشه همه این‌ها علاقه به دنیا و اعراض از ذکر خدا است. از این جهت خدای تعالی می‌فرماید: « وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً

ضَنْكًا » (سوره طه، آیه ۱۲۴)؛ «هر کس که از ذکر ما اعراض کرد زندگی سختی خواهد داشت.»

اما بندگان خاص خدا که به سرچشمه همه کمالات و خیرات رسیده‌اند و جمال و کمال بی‌نهایت را



مشاهده می کنند اندوه و نگرانی ندارند. زیرا با وصول به خدا از امور دنیا دل بریده اند و با یاد حق تعالی کشتی دلشان را در دریای امواج متلاطم زندگی آرامش می بخشند. (اسداللهی مجرد، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶)

۴- شکرگزاری

شکرگزاری اعتراف به دریافت نعمت است و عبودیت اقرار به بندگی می باشد و از آنجایی که بنده هستی اش را از آفریدگار می داند همه نعمت ها را هم از خدا بر می شمارد از این روی او را سپاس گزاری می نماید. «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (سوره نحل، آیه ۱۱۴)؛ «پس از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را به جا آورید اگر او را می پرستید.»

۵- هدایت ویژه

بندگی نشانگر هدایت یافتن عبد است ولی هدایت ویژه خداوند به بندگان حقیقی اش ارزانی می شود و آن ها مشمول این نعمت می شوند. «ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...» (سوره انعام، آیه ۸۸)؛ «این هدایت خداست که هر کس از بندگان خود را بخواهد با آن راهنمایی می کند...»

و قرآن نیز برای بندگان که رضایت الهی را به دست می آورند وسیله هدایت شمرده می شود، «وَ كَذَلِكَ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ رُوحًا مِنْ اَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْاِيْمَانُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوْرًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَ اِنَّكَ لَنَهْدِي اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (سوره شوری، آیه ۵۲)؛ «همان گونه (که بر

پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم... ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می کنیم و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می کنی»



۶- آزادی

عبودیت خالص حق تعالی عین آزادگی و سربلندی است، بندگی خدا دل را از عبودیت و اسارت دیگر مخلوقات آزاد می‌سازد و از تسلیم و فروتنی در برابر هر چیزی غیر از خدا از قبیل انواع خدایان و ستمگران رها می‌نماید. (قرضاوی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۰)

و از آنجا که اسارت شهوت منشأ همه اسارت‌ها است اگر انسان بتواند با عبودیت حق تعالی، خود را از طوق بندگی هوای نفس خارج کند به حریت و آزادی می‌رسد. زیرا فرد مطیع شهوات و مقهور نفس اماره بنده فرمانبر آنها است و هرچه آنها امر کنند با کمال خضوع اطاعت می‌کند و آنقدر خود را مطیع آنان می‌کند که اطاعت آنها را بر اطاعت خالق سماوات و ارض مقدم می‌دارد، در این حال عزت و حریت و آزادمردی از قلبش رخت بر می‌بندد و غبار ذلت و فقر و عبودیت بر چهره قلبش می‌نشیند. (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵)

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْعُبُودِيَّةِ أَهْلًا لِّلْعَتَقِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۲۹) کسی که به شرایط عبودیت قیام کند شایستگی آزادی پیدا می‌کند. از این رو عزت و افتخار خویش را در عبودیت خدا می‌بیند.

ب) آثار اخروی

۱- برخورداری از رضوان الهی و نعمت‌های بهشتی

آنگاه که بنده‌ی حق آهنگ رفتن از دنیا و آرام گرفتن در جوار رحمت الهی را می‌کند ندای آسمانی از سوی خدای متعال او را به رضوان خود فرا می‌خواند که «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي» (سوره فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰)؛ آری عبادالرحمان علاوه بر اینکه در دنیا دارای بالاترین مقام هستند در آخرت نیز از والاترین جایگاه برخوردارند ایشان کسانی هستند که در روز جزا از هول و هراس قیامت در امان خواهند بود.



۲- قرب الهی

انسان از جنبه روح، حقیقت مجردی است که از جهت فعل به ماده تعلق دارد، از این رو می‌تواند حرکت کند و کامل و کامل‌تر شود تا به مرتبه نهایی وجود خود برسد. البته از آغاز حرکت تا رسیدن به مقصد یک شخص و یک حقیقت بیش نیست، لیکن هرچه بیشتر کمالات را کسب کند و در مراتب وجود سیر و صعود نماید به همان نسبت به منبع وجود که همان ذات غیر متناهی و مقدس خداوند است نزدیک‌تر می‌شود، به بیان دیگر انسان به واسطه ایمان و عمل صالح می‌تواند وجود خویش را کامل کند تا آنجا که به مقام قرب الهی نائل گردد و از سرچشمه هستی و منبع کمال، فیوضات الهی را دریافت نماید و متخلق به اخلاق الله شود. پس بنابراین، مقام قرب یک نقطه نیست بلکه یک حقیقت دارای درجات و مراتب است و از آنجا که قرب یک امر نسبی و اضافی است انسان هر چه بیشتر تلاش کند به مقامات عالی‌تری صعود می‌کند. (اسداللهی مجرد، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶)

۳- حیات طیبه

بندگی حقیقی خداوند، کیمیایی است که مس وجود انسان را زر می‌گرداند و تحولات عمیق و چشمگیری در درک، بینش، اخلاق و رفتار انسان برجای می‌گذارد تا آنجا که قرآن کریم از این تحول شگرف به "حیات طیبه" تعبیر کرده و فرموده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (سوره نحل، آیه ۹۷)؛ «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن است او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم»؛ آثار و برکات این حیات طیبه، تمام زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت پوشش خود قرار داده و وی را به کمال بی‌نهایت و علم و قدرت بی‌منتهای حق سبحانه متصل می‌گرداند و فقر ذاتی و نیستی و فناى خود را در شؤن گوناگون (افعال، صفات و ذات حق تعالی) مشاهده می‌کند. (تحریری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶)





نتیجه بحث

نتایج پژوهش حاضر موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- حقیقت عبودیت این است که بنده غیر از خدای متعال هیچ کس را در آموزش شریک نگرداند و با تمام وجود پرستش را منحصر به او بداند.
- ۲- جایگاه عبودیت از عبادت بالاتر می‌باشد زیرا عبودیت رضایت به خواسته‌های رب است و عبادت انجام آنچه که رب به آن رضایت دارد و رضایت بالاتر از عمل است تا آنجا که ترک رضایت باعث کفر می‌شود ولی ترک عبادت فسق محسوب می‌شود.
- ۳- نخستین مرتبه از درجات کمالی انسان عبودیت و بندگی می‌باشد و عرفا نیز آن را اولین منزل از مراحل سیر و و سلوک قرار داده‌اند.
- هدف آفرینش و اولین وظیفه تمام فرستادگان الهی نیز دعوت به عبودیت حق تعالی می‌باشد از این رو این مقام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.
- ۴- اخلاص، ادب، معرفت و ولایت از لوازم عبودیت و بندگی ذات ربوبی می‌باشد.
- ۶- عبودیت و بندگی خدای متعال دارای آثاری می‌باشد که از آن جمله وصول به مقام ربوبیت، مقامات و کمالات، آرامش و اطمینان... می‌باشد.





منابع

*قرآن کریم، مترجم ناصر مکارم شیرازی.

*نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمدین مکرم: لسان العرب، بیروت-لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲. الاحسائی، ابن ابی جمهور: عوالی الالالی، ۴ج، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳. اسداللهی مجرد، ماشاءالله: معرفت - محبت - عبودیت در قرآن، مشهد، انتشارات رستگار، ۱۳۸۰.
۴. اسداللهی، یدالله: تجلی عبودیت در مقام معرفت، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۴.
۵. بابایی، احمدعلی: برگزیده تفسیر نمونه، ۵ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲.
۶. بابویه قمی، محمدبن علی (شیخ صدوق): التوحید للصدوق، قم، جامعہی مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۷. تحریری، محمدباقر: شرح حدیث عنوان بصری، قم، نشر خُر-سبحان، ۱۳۸۷.
۸. جوادی آملی، عبدالله: ادب فنای مقربان، محقق: محمدصفایی، ۵ج، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۹.: تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد: صحاح، بیروت، انتشارات امیری، ۱۳۶۸.
۱۱. الحرالعاملی، الشیخ محمدبن الحسن: وسائل الشیعه، ۲۹ج، قم، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۹.
۱۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد: اثنا عشری، ۱۴ج، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
۱۳. حسینی همدانی، محمدحسین: انوار درخشان، محقق: محمدباقر بهبودی، ۱۸ج، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.



۱۴. خمینی، روح الله آداب الصلوة، بی جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، چاپ هفتم، ۱۳۷۸
۱۵.: چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، چاپ چهل و سوم، ۱۳۸۶.
۱۶. خوانساری، جمال الدین محمد: شرح غررالحکم و دررالکلم، ۷ج، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
۱۷. الخوری الشرتونی، سعید: اقراب الموارد، قم، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۳۷۴.
۱۸. داورپناه، ابوالفضل: انوار العرفان، ۱۶ج، تهران، انتشارات صدر، بی تا.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد: مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲هـ.
۲۰. صفائی حایری، علی، از معرفت دینی تا حکومت دینی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹
۲۱. الطباطبایی، العلامه السید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، ۲۰ج، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم، نوبت پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طیب، سیدعبدالحسین: اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴ج، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۲۳. قرضاوی، یوسف، عبادت در اسلام، مترجم: محمدستاری خرقانی، تهران، نشر احسان، ۱۳۶۹.
۲۴. کمره ای، محمدباقر: آسمان و جهان (ترجمه‌ی کتاب السماء و العالم بحار)، ۱۰ج، تهران، اسلامی، ۱۳۵۱.
۲۵. گنابادی، سلطان محمد: بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۴ج، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، نوبت دوم، ۱۴۰۸ق.
۲۶. المجلسی، الشیخ محمدباقر: بحار الانوار، ۱۱۰ج، بیروت-لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴هـ.ق.
۲۷. مطهری، مرتضی: آزادی معنوی، تهران، قم، صدرا، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۵.
۲۸. معلوف، لوییس: المنجد، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۲.
۲۹. منسوب به جعفر بن محمد امام صادق (ع): مصباح الشریعه، بی جا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،

